نگاه

برجام و انگشتان کم‌توان اروپا

محسن پرورش . پژوهشگر اقتصادی

این‌روزها از مهم‌ترین رویدادهای جهان سرنوشت برجام است که ذی‌نفعان پرتعدادی را به خود متصل دارد. در یک‌سوی این طناب‌کشی آمریکا ایستاده است و در سوی دیگر اروپا. مدتی است که اروپا با صحبت از اجرای قوانین مسدودکننده تحریم‌ها مربوط به دهه ۱۹۹۰ در تلاش برای ساخت دیواری به منظور محافظت از ارتباط کاری و مالی شرکت‌های خود در برابر تحریم‌های آمریکاست. اما در حقیقت این قوانین که به‌تازگی بر سر زبان‌ها و تیتر رسانه‌ها می‌چرخند، کم‌رمق‌تر از آن به نظر می‌رسند که بتوانند برجام را از چنگال آمریکا، سالم به دراورند.

در سال ۱۹۹۶ کنگره آمریکا قانون تحریم‌های ایران و لیبی را به تصویب رساند که انواعی از تهدیدها برای هر دولت، شرکت یا فرد خارجی که در بخش انرژی ایران سرمایه‌گذاری کند، در نظر گرفته شده بود. در آن زمان، اروپا قوانینی را به‌منظور مسدودکردن آن تحریم‌ها صادر و سازمان تجارت جهانی آمریکا را به مقابله تهدید کرد و اتحادیه اروپا قانونی را تصویب کرد که کشورهای اروپایی را از پذیرفتن و تبعیت از قوانین تحریمی از سوی کشورهای خارجی منع می‌کرد و اظهار می‌کند که چنین احکامی از سوی هیچ دادگاه خارجی در خاک اروپا قابل اجرا نیست. در برابر و به دلیل نبود طراحی آن قانون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بیل کلینتون، فقط توانست حیرمه‌های کم‌رمقی را علیه سرمایه‌گذاری در ایران و لیبی اعمال کند که اروپا به‌راحتی و بدون ضرر زیادی، می‌توانست آنها را تحمل کند. تا اینکه در سال ۲۰۰۰ کنگره آمریکا با تصویب قانونی جدید اهرم قدرت آمریکا در برابر تجارت جهان با ایران را تقویت کرد؛ تراکنش‌های مالی.

تا چند سال آمریکا مؤسسات مالی ایران را در فهرست سیاه قرار می‌داد تا اینکه کنگره آمریکا به این نتیجه رسید که باید انشعاب ثالثی را که با آن مؤسسات معامله می‌کنند، تنبیه کند. در نتیجه، در سال ۲۰۱۰، اعلام کرد هر بانک خارجی که با هریک از بانک‌های تحریم‌شده ایران ارتباط برقرار کند، فعالیت‌های بانکی خود در ایالات متحده را در معرض خریمه و خطر تعلیق قرار خواهد داد. این قانون همان قیمت تیر خلاصی بود که بر پیکر روابط تجاری اروپا و جهان با ایران شلیک شد. سال ۲۰۱۱، آمریکا دامنه این تحریم‌ها را به روابط بانکی با بانک مرکزی ایران نیز گسترش داد. سال ۲۰۱۲، چند بخش اقتصادی ایران مشمول این تحریم‌ها شدند؛ ازجمله صنعت نفت ایران. البته قوانین بازدارنده تحریم‌های اروپا، یک ماده مقابله‌به‌مثل نیز دارد که در صورت خریمه‌شدن یک شرکت اروپایی از سوی آمریکا به دلیل تخطی از قوانین تحریمی وضع‌شده به‌وسیله آمریکا و نه اروپا، شرکت اروپایی اجازه تعقیب حقوقی و ضبط دارایی‌های شرکت‌های آمریکایی یا افراد مرتبط با آنها در خاک اروپا را دارد. به این معنی که شرکت‌های اروپایی می‌توانند جریمه احتمالی از سوی آمریکا را با تصرف دارایی‌های مربوط به آمریکا در خاک اروپا جبران کنند. اما نقطه‌ضعف این بخش از قانون که آن را در عمل ناموثر می‌کند، این است که جریمه‌های اعمالی از سوی اروپا بر دارایی‌های آمریکا در برابر جریمه‌های آمریکا بر شرکت‌ها و بانک‌های اروپایی ابعاد کوچک و حقیرانه‌ای دارند. برای نمونه، آمریکا نزدیک به دو سال پیش دومین بانک بزرگ فرانسه را به اتهام انتقال پول به ایران، سودان و کوردستان، ۹۰ میلیارد دلار» (به برزکی این رقم فکر کنید) جریمه کرد. قابل درک است که یک شرکت یا بانک اروپایی حاضر به پرداخت جریمه به اتحادیه اروپا باشد. اما شرکت‌های کم‌رمق کشورهای آمریکا واقع نیستند. از سوی دیگر، برجام آمریکا و اروپا را از اعمال محدود تحریم‌ها به دلایل دیگر منع می‌کند. بخش بزرگی از کسب‌وکارهای برادران رضایی، حیرت‌وجوه حاصل‌شده از کشورهای مخاطر مجدد در جنوب کشور بود و شبکه‌ای که آنها برای کمک این معادن تشکیل داده بودند. در نوع خود شکست‌انگیز بود. برادران رضایی به هر چوبانی که سنگ رنگی پیدا می‌کرد و به آنها نشان می‌داد، اعلام می‌دادند و به‌این‌ترتیب مکان‌هایی که هرگز برای یافتن معادن تازه جست‌وجو نشده بودند، تحت پوشش شبکه جست‌وجوی آنها قرار گرفته بود. در نتیجه همین شبکه جست‌وجو که گنجینه من سرچشمه کشف شد و شرکت من سرچشمه شکل گرفت، دومین اثر مهمی خواهد داشت. برای به‌دست آوردن اجازه برای فعالیت در ایران، آنها به‌راحتی و بدون ضرر پرتکرانی شرکت‌های خارجی تأسیس کرده و ساخت هکتار زمین بین کارخانه آلومینیوم و ماشین‌سازی خاورمیانه پرتکرانی شرکت‌های تولید و موتاژ ماشین‌آلات راه‌سازی خاورمیانه را با نام هیچ آمار استرار زد.

رضایی هیچ ارتباطی با شرکت کاتربیلار آمریکا ندارد بینند و خریدار جدید اهرم قدرت آمریکا در برابر تجارت جهان با ایران را تقویت کرد؛ تراکنش‌های مالی